

بررسی و اولویت بندی عوامل واگرایی اثر گذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی

شهناز بازدار^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

زهره پیشگاهی فرد^۲

استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

عبدالرضا فرجی راد^۳

دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۳



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

۱۵۱

بررسی و اولویت بندی عوامل واگرایی اثر گذار در روابط ایران و...

چکیده

با نگاهی ژئوپلیتیکی به مسائل ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی آن، مشخص می‌شود که هر اقدامی در ایران، به‌مثابه کانون مذهب شیعه، کشورهای اسلامی پیرامونی را که به حوزه نفوذ ایران تعلق دارند، متأثر می‌کند. با شناخت بیشتر عوامل اثر گذار در این حوزه، ایران می‌تواند توجه بیشتری را در رفع امور و مسائل موجود در کشورهای اسلامی پیرامونی داشته باشد. اما فضای سرزمینی ایران خود به فراخور جغرافیا و تاریخ پیچیده آن، دربردارنده مسائل گوناگون ژئوپلیتیکی است که می‌تواند در روابط ایران با کشورهای پیرامونی، تأثیرگذار باشد. بررسی و مطالعه‌ی دقیق این مسائل، یکی از ضروریات جهت مناسبات پایدار و سازنده با همسایگان اسلامی است. زیرا بنا بر حدیث امام صادق (ع) که به نقل از پیامبر اکرم می‌فرمایند: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ که جوهره‌ی اصلی این حدیث اشاره دارد به اینکه انسان نسبت به بشریت مسئول است. در این راستا، تحقیق حاضر با اتخاذ یک رویکرد علمی در استفاده از دیدگاه‌های نظری در زمینه‌ی عوامل اثر گذار بین کشورها به بررسی عوامل ژئوپلیتیکی واگرایی اثر گذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی پرداخته که بصورت ترکیبی، یعنی توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه و تکنیک MCDM (از نوع) AHP در صدد پاسخگویی به این سؤال است که، مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی واگرایی اثر گذار در گسترش نفوذ ایران در کشورهای اسلامی پیرامونی بر حسب اولویت کدامند؟ در نتایج حاصل از پژوهش حاضر، مجموعاً ۱۱ عامل واگرا شناسایی شده و در اولویت بندی آنها در زمینه‌ی ایجاد تنش نیز، عامل «A۸» (تعارضات ایدئولوژیک) به عنوان مهمترین عامل واگرا بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی در اولویت اول قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: واگرایی، ایران شیعی، کشورهای اسلامی پیرامونی، MCDM

1.shahnazbazdar@yahoo.com

2. Sourori1334@yahoo.com

3. a.farajirad@yahoo.com

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با توجه به ماهیت اسلامی آن که تحقق امت واحد بر مبنای شعائر مذهبی و تقارب ایدئولوژیک، فراتر از مرزهای سیاسی و فیزیکی در قالب هویت سازی جدید با درون مایه‌ی فرهنگ تشیع از اهداف آن در صحنه‌ی سیاست خارجی بشمار می‌رفته است سعی در توسعه‌ی حوزه‌ی نفوذ و گسترش علایق منطقه‌ای در مناطقی از جهان داشته که زمینه‌های این همگرایی در آن مناطق وجود داشته است (نصرتی، ۱۳۹۱: ۲). ایران به دلیل برخورداری از بیشترین میزان جمعیت شیعه در بین کشورهای اسلامی همجوار و نیز قرارگیری در کانون ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا و کمربند شیعه، پیرو آرمانهای انقلاب اسلامی می‌بایست از موقعیت مرکزی جهت تأثیرگذاری و نفوذ هرچه بیشتر بر ملت‌ها و سرزمین‌های پیرامون خود استفاده کند. اما در مسیر گسترش نفوذ خود بر کشورهای اسلامی پیرامونی با موانعی روبروست که به عنوان عوامل تأثیرگذار بر گسترش نفوذ ایران مطرح می‌باشند. ایران با بسیاری از کشورهای همسایه‌ی خود دارای اشتراکات مذهبی می‌باشد که می‌تواند در جهت گسترش نفوذ سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... از این مقوله بهره جوید. اما از طرفی وجود عوامل تنش زای ژئوپلیتیکی بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامون و همجوار ایران تحقق این امر را دشوار نموده و در صورت عدم توجه به عوامل تنش آفرین و عدم اتخاذ استراتژی‌های مناسب جهت رفع و یا کاهش این زمینه‌های تنش، امکان تداوم و تشدید آنها در دهه‌های آینده وجود دارد بطوری که می‌تواند ضمن تهدید امنیت ایران و کشورهای پیرامونی، مانع گسترش نفوذ منطقه‌ای و تأثیرگذاری ایران بر محیط پیرامونی شود. همانطور که هم اکنون شاهد این امر هستیم و ایران بجز در عراق، در سایر کشورهای همجوار خود چندان دارای نفوذ نیست.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که به دلیل جغرافیای منحصر به فردش به شدت تحت تأثیر عامل جغرافیا و به تبع آن، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی است (موفقیان و فرجی راد، ۱۳۹۱: ۲). اهمیت جغرافیای ایران موجب شده است که ویژگی‌ها و عناصر جغرافیایی در آن دارای کارکرد سیاسی شوند و ماهیت ژئوپلیتیکی پیدا کنند. در این میان، برخی از عوامل جغرافیایی، امنیت کشور را در مقیاس محلی و منطقه‌ای تهدید می‌کنند. ایران با بیش از ۹۴۰۰ کیلومتر مرز با ۱۵ کشور، پس از روسیه و در کنار چین، دارای بیشترین همسایه در



جهان است. گوناگونی فیزیوگرافیک نواحی مرزهایی که دربرگیرنده‌ی طبیعت کوهستانی، صخره‌ای، بیابانی، کویری، رودخانه‌ای، دریایی، باتلاقی، جنگلی، ماسه زاری، تپه‌ای و ... است، به موازات ناپایداری و کمتر توسعه یافتگی همسایگان، دست به دست هم داده تا چرخه‌ی ورود بحران به ایران، چرخه‌ای دائمی جلوه گر شود. بی ثباتی و ناپایداری چشم اندازهای سیاسی در بیشتر همسایگان از جمله عراق و افغانستان و پاکستان [و امارات عربی متحده و همسایگان شمالی در خزر] به موازات حضور نیروهای اشغالگر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این کشورها مزید بر علت شده و زمینه ساز گستردگی و فزاینده‌ی تنش میان ایران و همسایگان شده است. جمهوری اسلامی، ناگزیر است برای ایجاد جو‌ی پایدار در مناسباتش با همسایگان، به حداقل رساندن تنش‌های فی مابین و ایجاد و تقویت زمینه‌های همبستگی با آنان، به دورنما و چشم انداز دقیق‌تر و محکم‌تری متکی باشد (موفقیان، ۱۳۹۱، ۷۸). در این خصوص، شناسایی و اولویت بندی عوامل تنش آفرین بین ایران و کشورهای اسلامی همسایه ضروری به نظر می‌رسد.

مباحث نظری

تنش‌های ژئوپلیتیکی در فضاهای جغرافیایی

دولت‌ها عموماً تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی در کنش و واکنش با محیط پیرامونی خود به سر می‌برند. نظام هنجاری، فکری، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از عمده مسائل مورد توجه نظام حاکم بر کشورهاست که در تعامل با دیگر واحدهای سیاسی خرد و کلان انگیزه‌ی تعامل و همگرایی یا ستیزش و واگرایی را در سطح حاکمیت ملی یا نظام خرد و سطح کلان یا همان نظام بین الملل تحت شعاع خود قرار می‌دهد. روابط همسایگی در سیاست بین الملل تحت تأثیر چهار فضای تودرتو و پیوسته است: ۱- فضای بلافصل ۲- فضای منطقه‌ای ۳- فضاهای محیطی ۴- فضای بین الملل.

دو کشور همسایه با مرزهای مشترک، تحت تأثیر مستقیم فضای بلافصل قرار دارند. نوع مرز، طول مرز، منابع انسانی دو سوی مرز، درجه‌ی بلوغ مرز، نوع اختلافات مرزی و چندین فاکتور دیگر تشکیل دهنده‌ی فضا هستند. به عبارت دیگر، فضای بلافصل مرزی، منعکس کننده‌ی نوع روابط میان همسایگان بوده، در همین فضا است که بیشترین تأثیرات



همگنی‌ها و ناهمگنی‌ها یا رقابت و همکاری‌ها به وضوح آشکار می‌شود. همچنین نقش عوامل جغرافیایی در این فضا به گونه‌ای مستقیم قابل رویت است. فضای منطقه‌ای روابط کشورهای عضو یک منطقه‌ی جغرافیایی را تحت الشعاع قرار می‌دهد، فضای محیطی روابط مناطق محیطی و پیرامونی را بر یکدیگر تعیین می‌کند و فضای بین‌المللی روابط کشورها را در سطح جهانی و شرایط بین‌الملل شامل می‌شود (موفقیان و فرجی راد، ۱۳۹۱: ۸۰). بواسطه پیوستگی جغرافیایی کشورها در فضای بلافصل و قرارگیری در فضای جغرافیایی مشترک علی‌رغم تشابهات فراوان، بدلیل ادعاها و تعارضات برخاسته از همجواری، میزان و عمق تنش‌ها در این فضا بیشتر بوده و از اهمیت خاصی برخوردارند. تنش و منازعه میان واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف داخلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی سابقه‌ای به درازای عمر بشر دارد و همواره در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی انسان مشاهده شده است. حکومت‌ها نیز به عنوان بارزترین واحدهای سیاسی دارای حاکمیت و اقتدار در فضای سرزمینی تحت کنترل خود به خاطر تلاش برای بقای ملی و گسترش حوزه‌ی نفوذ و نیز دستیابی به منافع ملی خود، روابطی مبتنی بر تنش و منازعه را با همسایگان و کشورهای دیگر تجربه کرده‌اند (قربانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی واگرا بین کشورها از دیدگاه برخی نظریه پردازان

در سطوح منطقه‌ای و محلی، برخی نظریه پردازان با طرح دیدگاههایی همواره در پی تبیین نقش عوامل مختلف در تولید تنش بین کشورهای همجوار و کشورهای یک منطقه بوده و هر کدام با در نظر گرفتن مؤلفه‌های خاص از زاویه‌ها و جنبه‌های مختلف به تحلیل و بررسی این مقوله اقدام نموده و در زمینه‌ی سرچشمه‌های بروز تنش و منازعه در روابط کشورها به ارائه‌ی نظر پرداخته‌اند. نازلی شکری و رابرت نورث در کتابی تحت عنوان «ملت‌ها در منازعه: رشد ملی و خشونت بین‌المللی» (۱۹۷۵)، دیدگاه خود را درباره‌ی پیدایش تنش و منازعه میان کشورها به شرح زیر بیان کرده‌اند. این دو ادعا کرده‌اند که خود فرایندهای رشد ملی احتمالاً به توسعه طلبی، رقابت، هم‌چشمی، منازعه و خشونت میان کشورها منجر می‌شود. خلاصه‌ی نظریه «رشد ملی و خشونت بین‌المللی شکری و نورث» به شرح زیر است:

یک جمعیت در حال رشد، تقاضاهایش برای منابع اساسی نیز افزایش می‌یابد. با پیشرفته‌تر

شدن فناوری، گوناگونی و میزان منابع مورد نیاز جامعه بیشتر می‌شود. در صورت برآورده نشدن تقاضاها، برای ایجاد توانایی‌های جدید جستجو به عمل خواهد آمد و چنانچه این منابع را نتوان در داخل مرزهای کشور به دست آورد فشارهای جانبی برای تحصیل آنها از آن سوی مرزهای ملی به وجود خواهد آمد. ممکن است فشارهای جانبی در قالب فعالیت‌های تجاری، ساخت ناوگان‌های تجاری و نیروی دریایی، اعزام لشکرها به سرزمین‌های بیگانه، به دست آوردن سرزمین‌های مستعمره یا بازارهای خارجی، تأسیس پایگاه‌های نظامی در خارج و یا در اشکال دیگری بروز کند. یک کشور حتماً مصمم نیست که ارضای نیازهای خود را در ورای خاکش تأمین کند. ممکن است به کمتر نیز قانع و نگاهش متوجه داخل باشد ولی بیشتر کشورهای نوین صنعتی به نحوی از انحاء فشارهای جانبی نیرومندی را از خود بروز می‌دهند (قربانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۷). برخی نظریه پردازان نیز سرچشمه‌ی مناقشات و تنازعات بین کشورها را در اختلافات مرزی می‌دانند. پرسکات اختلافات مرزی را در چهار دسته طبقه بندی می‌کند: نخست؛ اختلافات ارضی که در مورد اینست که کدام کشور حق حاکمیت در قطعه‌ای خاص از سرزمین را دارد. دوم؛ اختلاف مکانی که شامل اختلاف نظرها در مورد تفسیر اسناد مشخص کننده‌ی مرز است. هردوی اینها ممکن است منجر به تغییر محل مرز شود. اختلافات کارکردی، فقط مربوط به مواردی است که کارکردهای دولت از قبیل حقوق گمرکی و کنترل مهاجرت باید در داخل مرزهای کشور اجرا شود در حالی که دسته‌ی چهارم پرسکات اختلافات بر سر توسعه‌ی منابع، لزوماً مرز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (امیری و مستجابی سرهنگی، ۱۳۹۳: ۲). دیدگاه لوئیز ریچاردسن در ارتباط باننش و منازعه بین کشورها حاکی از آن است که ظرفیت بالقوه‌ی مشاجره و تنش بین کشورها تابع تعداد همسایگانی است که یک کشور دارد. ریچاردسن در مقاله‌ای تحت عنوان آمار منازعات کشنده که در سال ۱۹۶۰ میلادی در مجله‌ی علوم منتشر شد جنگ را حیاتی می‌دانست. او در این مقاله، قبل از دوره‌ی موشک‌های قاره پیما ثابت می‌کند که استعداد روابط بین ناحیه‌ای از جمله تنش و مشاجره، تابع تعداد همسایگان است (قربانی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۸ - ۱۶۰). جفری کمپ و رابرت هارکاوای در کتاب جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، با مطالعه‌ی عوامل جغرافیایی که موجب ایجاد تنش و مناقشه در خاورمیانه می‌شوند و تولید منازعات منطقه‌ای می‌کنند به نقش چهار دسته عوامل جغرافیایی به عنوان علل بوجود



آورنده‌ی مناقشات میان کشورها اشاره کرده و منازعات منطقه‌ی مورد مطالعه را عمدتاً به این عوامل نسبت می‌دهند. روندهای جمعیت‌شناسانه و بی‌قرینگی‌ها، قومیت، مذهب و جنگ داخلی، اختلافات سرزمینی و مناقشه بر سر آب عواملی هستند که کمپ و هارکاوای در بررسی‌های خود لحاظ نموده‌اند. از دید کمپ و هارکاوای، مسائل مرتبط با جمعیت کشورها نظیر افزایش جمعیت و تأمین مسکن، مشکلات ناشی از مهاجرت و جابجایی جمعیت از یک کشور به کشور دیگر و... از جمله شاخص‌هایی هستند که ممکن است باعث ناامنی در داخل کشور و تأثیر آن بر بروز مناقشه با همسایگان گردد. آن‌ها جنگ داخلی را از آن جهت که تأثیرات قومی و مذهبی بر کشورهای همجوار دارد عاملی مؤثر در ایجاد مناقشه و بحران می‌دانند. همچنین، اختلاف بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات و منازعات و حتی جنگ است و مثال‌های بارز آنها مناقشات مستمر اسرائیل با فلسطین، سوریه و لبنان و همچنین کشورهای حاشیه‌ی خلیج پارس در خاورمیانه می‌باشد. اما عامل بسیار مهم دیگری که کمپ و هارکاوای در مطالعه‌ی خود از خاورمیانه بدان اشاره نموده‌اند بحث مناقشات بر سر منابع آب است. آن دو، این عامل را یکی از عوامل جغرافیایی پایدار در ایجاد تنش و منازعه بین کشورها به شمار می‌آورند که با توجه به حساسیت این موضوع در خاورمیانه، احتمال تشدید آنرا بیشتر می‌دانند. کمپ و هارکاوای در این مطالعه، کشمکش و مناقشه‌ی کشورهای لبنان، سوریه، اسرائیل و اردن بر سر حوضه‌ی رود اردن، اختلاف ترکیه، سوریه و عراق بر سر حوضه‌ی دجله و فرات، مناقشه‌ی مصر، سودان و اتیوپی بر سر حوضه‌ی نیل را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به نتایج ارزنده‌ای در خصوص این مسائل دست یافته‌اند (کمپ و هارکاوای، ۱۳۸۳: ۱۳۳ - ۱۶۰).

از دیگر اندیشمندان و نظریه پردازان حوزه‌ی تنش، آقای پیتر هاگت، جغرافی دان برجسته‌ی انگلیسی می‌باشد. پیتر هاگت، ضمن ارائه‌ی مدلی از کشوری درونگان (های پوتیتکا)، دوازده عامل جغرافیایی بالقوه‌ی در دسرساز را که زمینه‌های مشاجره و منازعه میان کشورهای همسایه هستند به خوبی تشریح می‌کند. ۱- تمایل دولت محصور در خشکی برای دسترسی به آب‌های آزاد از طریق فضای سرزمینی کشور یا کشورهای همسایه ۲- اختلاف تفسیر درباره‌ی خط تقسیم آب (آب پنخشان) ۳- تغییر مرز بین المللی به دلیل تغییر مسیر رودخانه ۴- اختلاف در تعیین مرز و چگونگی بهره برداری از دریاچه‌ی مشترک ۵- ربودن آب علیای رود توسط



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۵۶

سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

کشور فرادست رودخانه ۶- گسترش سرزمینی و فضایی یک گروه واحد قومی - زبانی در دو سوی مرز بین المللی ۷- حمایت از گروه اقلیت وابسته به گروه اکثریت در آن سوی مرز ۸- کوچ فصلی چادرنشینان دامدار در دو سوی مرز ۹- جنبش یا جنبش‌های جدایی طلب در فضای داخلی یک کشور ۱۰- استقرار منابع مهم بین المللی در نزدیکی مرز یا امتداد یافته در دو سوی مرز که مورد ادعای همسایگان باشد ۱۱- ادعای یک کشور به خاک کشور همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خود(ادعای ارضی مبتنی بر تهدید شهرهای مرزی) ۱۲- منازعه بر سر باروری مصنوعی ابرها به منظور تأمین باران در فضای داخلی یک کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر حرکت و جابجایی ابرها(موفقیان و فرجی راد، ۱۳۹۱: ۷۹-۸۰).

انقلاب اسلامی؛ گسترش نفوذ ایران و قدرت شیعیان

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که باعث ایجاد تغییرات و تحولات فراوانی در کشورهای منطقه و نیز در ساختار قدرت جهانی شد. بی شک مهم‌ترین بازیگران هویت ساز و تأثیر گذار در منطقه خاورمیانه دولت جمهوری اسلامی ایران بوده است(دهشیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۵۷). این انقلاب با برخورداری از دیدگاه فرامرزی خود، کشورها و ملت‌های فراوانی را هم در کشورهای دور دست و هم در کشورهای مجاور و نزدیک، به خصوص در خاورمیانه تحت تأثیر قرار داد. این تأثیرگذاری عمدتاً در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های دینی در کشورهای اسلامی، به ویژه جوامع شیعی قابل مشاهده است. انقلاب اسلامی از یک طرف باعث شد تا مذهب شیعه مورد توجه قرار گیرد و به جهانیان معرفی شود. از طرف دیگر، جوامع شیعی در کشورهای مختلف بر اثر انقلاب اسلامی احساس خودباوری کردند، در جهت رشد و ارتقای سیاسی گام برداشتند و موفق شدند برخی احزاب و تشکل‌های سیاسی را تأسیس یا تقویت کنند. با تکامل نسبی این فرایند سیاسی، آنان در حال حاضر در ساختارهای سیاسی جوامع و کشورهای خود نقش آفرینی می‌کنند(احمدی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).



کشورهای اسلامی پیرامون ایران

ایران کنونی با ۱۵ کشور همسایه بوده (سهل آبادی، ۱۳۳۸: ۱۳۸) که با آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان درخزر (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۱۶۱) و با عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان در خلیج فارس (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴: ۵۱) مرز آبی دارد و با کشورهای پاکستان، افغانستان، ترکیه و ارمنستان (مؤسسه‌ی ابرار معاصر، ۱۳۸۶: ۱۶) دارای مرز خشکی می‌باشد. البته کشورهای عراق و آذربایجان و ترکمنستان علاوه بر مرز آبی، مرز خشکی هم با ایران دارند. از بین این کشورها، آذربایجان، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، ترکیه، عراق، کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات متحده عربی و عمان با داشتن اکثریت جمعیت مسلمان از کشورهای اسلامی پیرامون ایران هستند.

داده‌ها، روش و مراحل پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ ماهیت در چارچوب تحقیقات توصیفی - تحلیلی و پیمایشی و روش حل مسائل، تصمیم‌گیری چند معیاره (MCDM) (۱) از نوع AHP می‌باشد که به دو شیوه‌ی کیفی و سپس کمی و با رویکرد نظری، به بررسی متغیرهای تحقیق در حیطه‌ی موضوع مورد مطالعه جهت دستیابی به اهداف تحقیق و استدلال منطقی بر پایه تجزیه و تحلیل مصادیق و براهین علمی پرداخته است. در این راستا جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، به صورت نظری و فیش برداری از منابع مختلف اعم از کتب داخلی و خارجی، مقالات و پایان نامه‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و نیز به شیوه‌ی میدانی و پرسشنامه عمل شده است که محقق ضمن تدوین و تنظیم مبانی و ادبیات تحقیق و تشریح مدل مطالعاتی تحقیق به منظور بکارگیری آن در محدوده‌ی مورد مطالعه، به محیط شناسی تحقیق به شکل مطالعه‌ی موقعیت محدود‌ی مورد مطالعه جهت بررسی وضع موجود پرداخته، سپس در پی تطبیق اجزاء و عوامل مدل مورد مطالعه در خصوص موضوع تحقیق در محدوده‌ی مورد مطالعه با بهره‌گیری از داده‌های کمی و کیفی و شیوه‌ی استنباطی و تحلیل و تبیین این عوامل و اولویت بندی آنها برآمده است.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۵۸

سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

عوامل ژئوپلیتیکی و آگرای اثرگذار بر روابط ایران در کشورهای اسلامی پیرامونی

موقعیت ممتاز ایران در نقشه جغرافیای سیاسی جهان از دیر باز کانون توجهات اندیشمندان و ژئوپولیتیسین‌ها بوده است. (ریبیعی، ۱۳۹۳: ۱۱۲-۸۹) سرزمین ایران به مثابه ظرف طبیعی فضای سیاسی کشور ایران، دربر دارنده‌ی زمینه‌هایی از تنش‌هاست که عمدتاً ریشه در جغرافیای این سرزمین دارند و به عنوان منابع جغرافیایی تنش، مختص فضای سرزمینی ایران هستند. فضای سرزمینی کشور ایران که بخشی از فلات ایران است فراخور چشم انداز توپوگرافیک متنوع، از عناصر طبیعی و انسانی گوناگون و بعضاً ناهمگون و نامتجانس با مرزهای ناپایدار که تولید قبض و بسط‌های ناشی از نیروهای واگرا و همگرا و نیز شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در دوره‌های مختلف بوده است همراه با گروه‌های اقلیت پیرامونی با گرایش‌های مختلف، منابع طبیعی سطح الارضی و تحت الارضی و... برخوردار می‌باشد که زمینه‌های بروز تنش و منازعه در سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی و منطقه‌ای را فراهم می‌نمایند که به عنوان موانع گسترش نفوذ ایران در کشورهای اسلامی همسایه محسوب می‌شوند و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و امنیتی دارای کارکرد می‌باشند و به لحاظ ماهیت، هرکدام از این عوامل واگرا مربوط به یکی از چهار بعد هستند.

الف- سیاسی

۱- اختلافات مرزی

مرزهای سیاسی ایران به علت وقوع مسائل سیاسی و بین‌المللی تحت تأثیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای قرار گرفته‌اند (اخباری و نامی، ۱۳۸۹: ۷۰). سرزمین عراق، که پس از فروپاشی حکومت عثمانی در دهه‌ی دوم قرن بیستم، تحت قیومیت بریتانیای کبیر قرار داشت و در سال ۱۹۴۵ استقلال خود را به دست آورد، اختلاف مرزی ایران و عثمانی را در این منطقه به ارث برده است و مستمسکی برای درگیری با ایران را در دست دارد. مرز ایران و عراق ۱۶۰۹ کیلومتر طول دارد که از نظر جغرافیای سیاسی، یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است که اختلافات دو کشور همسایه را دامن می‌زند. این مرزها در نوع خود از ویژگی‌های زیادی برخوردار است که سبب ایجاد زمینه‌های تنش بین دو کشور شده است (نصرتی، ۱۳۹۵: ۱۰۷).



بحث رژیم حقوقی دریای خزر هم که با فروپاشی شوروی مطرح شده به علت عدم هماهنگی کشورهای ساحلی سبب گردیده تا زمان حاضر، دستیابی به یک رژیم حقوقی جامع در مورد دریای خزر ناممکن گردد. درحقیقت از آنجاییکه موضوع اختلاف کشورهای ساحلی کنترل و تصرف یک یا چند عامل جغرافیایی در این دریا می‌باشد، این مسأله سبب گردیده که این اختلاف بصورت یک مناقشه پایدار در سطح منطقه باقی بماند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۸). این مسأله می‌تواند بر روابط ایران با دو کشور مسلمان آذربایجان و ترکمنستان تأثیرگذار باشد.

۲- ادعاهای ارضی

ارزش استراتژیک مناطق همواره برای دولتمردان کشورها یک امر بدیهی می‌باشد. از آنجاییکه مرزهای ایران حاصل قبض و بسط‌های تاریخی است مسائل سرزمینی در آن به چشم می‌خورد. از بین این مرزها، ایران بحرانی‌ترین شرایط را در مرز با عراق و سپس امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه گانه دارد. به یاد داشته باشیم که یکی از مهمترین عوامل جنگ ۸ ساله بین ایران و عراق، ادعای عراق بر سرزمین خوزستان ایران بود و این امر می‌تواند همچنان به عنوان یکی از عوامل تنش زا مطرح باشد چرا که ادعای اعراب عراق بر خوزستان و منطقه‌ی عرب نشین ایران، یک ادعای تاریخی است. چنین به نظر می‌رسد که خوزستان به عنوان یک اهرم فشار در روابط ایران و عراق در آینده نیز مطرح باشد. موضوع دعای کشور امارات در قبال جزایر سه گانه ایرانی به یکی از جنجال برانگیزترین این اختلافات تبدیل شده است. ایران با امارات متحده عربی بر سر جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی که به لحاظ استراتژیکی در مسیر عبور تانکرها و در دهانه تنگه هرمز واقع شده‌اند دارای اختلاف است. موقعیت جزایر و حضور نظامی ایران بر اهمیت استراتژیک این اختلاف می‌افزاید (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۵).

۳- تعارضات ایدئولوژیک

بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران شاهد تغییر در هویت جامعه ایرانی بودیم؛ هویتی که نظام اعتماد پایه منطبقه خلیج فارس بر اساس آن شکل گرفته بود. این تغییر، هویت جامعه ایران را سه وجهی کرد. هویت ایرانی، انقلابی و اسلامی (عسگر خانی و بابایی، ۱۳۹۱: ۱۶۶) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایران سیاست جدید و ویژه‌ای را در پیش گرفت. جمهوری اسلامی ایران خواستار وحدت همه‌ی مسلمانان جهان برای حمایت مستضعفان و مبارزه با



مستکبران بود اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب که غالباً انقلاب اسلامی را یک تهدید ایدئولوژیکی تلقی می‌کنند ایجاد شد و جهت گیری آرمانهای انقلاب اسلامی به سمت یک اتحادیه شیعی مسجل گردید (نصرتی، ۱۳۹۵: ۱۰۶). این مسأله درمقابل ادعای عربستان سعودی که خود را داعیه دار حرمین و وارث واقعی تمدن اسلامی می‌دانست قرار گرفت. در چند دهه گذشته، همواره نگرش‌های منفی در میان کشورهای عرب خلیج فارس نسبت به ایران وجود داشته که تحت سیطره‌ی مباحثات تقابلی ایدئولوژیکی چون عرب-عجم و شیعه-سنی قرار گرفته است. به گونه‌ای که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را درتقابل با ارزش‌ها و آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران قرار داد (روحی دهبنه، ۱۳۹۱: ۹۷). ساختار روابط ژئوپلیتیک خلیج پارس همواره تحت تأثیر جهت گیری‌ها و سیاست‌های دو بازیگر منطقه‌ای مهم و تأثیر گذار یعنی ایران به عنوان قطب ژئوپلیتیک شیعه و عربستان سعودی به عنوان مهم‌ترین مرکز گسترش تفکر سلفی گری در منطقه می‌باشد (فرجی راد و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۷). ازسوی دیگر، هشدار ملک عبدالله در ۲۰۰۴ برای تهدید هلال شیعی، دولت‌های محافظه کار عرب را به ورود در یک اتحاد با اسرائیل و ایالات متحده در طرحی جهت کنترل ایران و اسلام گراها سوق داد (Andersen, 2007, 75). همچنین، تقابل اسلام شیعی و نیز اسلام انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی و قفقاز را باید یکی از مهمترین عوامل واگرایی ایران با کشورهای این منطقه به شمار آورد. به عنوان مثال، ترکمن‌ها یک حکومت مبتنی بر اندیشه‌های پان ترکیسم و ایده‌ی حکومتی لائیک ایجاد کرده‌اند. ازسوی دیگر هویت لائیک نظام سیاسی آذربایجان و گرایش آن به ملی گرایی و غربگرایی، به همراه سیاست‌های خارجی آن می‌تواند نگرانیهایی را درخصوص منافع ملی ایران بوجود آورد (نصرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۴).

۴- موانع سیاسی

یکی دیگر از عوامل اثر گذاربین ایران و کشورهای اسلامی همجوار، سیاست‌های حکومت‌ها و جهت گیری‌های آنهاست که گاهاً امکان تقارب و هم سوئی را با مشکل مواجه می‌سازد. سیستم حکومتی ایران و کشورهای همجوارش از نوع تک ساخت و تمرکز گراست. تمرکز قدرت در رأس نظام سیاسی و عدم توزیع متوازن قدرت سیاسی و اجرایی در

واحدهای جغرافیایی کشورها، ضمن سلب قدرت تصمیم‌گیری و دخالت در امور سیاسی و امنیتی از طرفی و بعضاً عدم همسویی رهبران سیاسی در جهت‌گیریها و سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و یکجانبه‌گرایی برخی از آنها از طرف دیگر، موجب نوعی عدم احساس وابستگی مشترک و همیاری بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه شده است. گرایش به ذهنیت معطوف به توطئه، بخصوص در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل، یکی از ویژگی‌های اصلی چشم انداز سیاسی ایران است. مادام که جامعه‌ی ایرانی به طور کلی و سایر جوامع اطراف آن به نوعی درک عمیق‌تر از باز بودن و آگاهی بیشتر نسبت به عملکرد سایر دولت‌ها نرسیده‌اند و آگاهی لازم برای کنار گذاشتن نظریه‌ی توطئه به عنوان ویژگی اصلی سیاست بین‌الملل را پیدا نکرده‌اند، چنین ذهنیتی از ریشه تغییر نخواهد کرد. کاهش پدیده‌ی مداخله‌ی قدرت بزرگ نیز یکی از پیش‌نیازهای مهم تضعیف ذهنیت توطئه است. نتیجه‌ی چنین سیاست‌های ناهمگون، امروز در تحولات خاورمیانه مشهود است که پیامدهای آن در مسائل سوریه، فلسطین، لبنان، یمن، حوزه‌ی خزر و... بروز و نمود پیدا کرده است (نصرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۳). از سوی دیگر، موضوعات استراتژیک حاصل از این سوء‌ذن‌ها و سیاست‌های نادرست، موجب بروز مسابقه‌ی تسلیحاتی در منطقه شده است. منطقه‌ای که مخالفت‌های سیاسی موجود در آن به تداوم مسابقه‌ی تسلیحاتی منجر شده، بویژه هراس کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از برتری قدرت نظامی ایران، آن‌ها را به خرید تسلیحات نظامی گسترده از کشورهای غربی الی‌الخصوص ایالات متحده واداشته است (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۹۷).

۵- حمایت از اقلیت‌ها و تحركات سیاسی-مذهبی داخلی توسط کشور همسایه

مهم‌ترین گروه‌های اقلیت در داخل فضای سرزمینی ایران مربوط به اقلیت‌های دینی-مذهبی همچون مسیحی، زرتشتی، کلیمی و اهل سنت است. هرچند آمار چندان دقیقی از اقلیت‌ها در ایران یافت نمی‌شود ولی از میان آنها اقلیت مذهبی اهل سنت به لحاظ کمیت و موقعیت جغرافیایی که اکثراً در نواحی مرزی کشور ساکن هستند از اهمیت زیادی برخوردارند و سایر اقلیت‌ها از این حیث قابل ملاحظه نمی‌باشند. با توجه به ماهیت شیعی انقلاب اسلامی و تعارض ماهوی با حکومت‌های سنی منطقه، گروه اهل سنت عمده‌تاً از سوی حکومت‌های سنی پیرامونی ایران همچون عربستان سعودی مورد حمایت بوده و جهت گسترش نفوذ و ترویج عقاید مذهبی در بین این گروه اقلیت تلاش‌های فراوانی می‌نماید. این



در حالی است که گروه‌های شیعی اقلیت در کشورهای همسایه نیز مورد حمایت ایران بوده و ایران در صحنه‌های مختلف همواره سعی در دفاع از حقوق آنها دارد. در حال حاضر در بین کشورهای پیرامونی ایران، کشور عراق (۶۲/۵۰ درصد)، آذربایجان (۷۰ درصد) و بحرین (۶۱ درصد) دارای اکثریت اهل تشیع در ترکیب جمعیتی خود هستند. و پاکستان حدود ۲۰ درصد، افغانستان ۱۵ درصد و کویت ۳۰ درصد شیعه دارند (نصرتی، ۱۳۹۱: ۸۳). حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد اهل تشیع در نواحی شرقی عربستان ساکن هستند شیعیان برای آل سعود دارای اهمیت راهبردی هستند. (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۵-۷۳) نکته‌ی قابل توجه در اینجا این است که اگرچه اهل تشیع در برخی کشورهای پیرامون ایران به لحاظ کمیت در اکثریت هستند اما در ساختار قدرت کشورهای خود نقشی نداشته و دارای جایگاه سیاسی □ اجتماعی برابر با اقلیت حاکم نیستند و از این لحاظ در کشور خود اقلیت محسوب می‌گردند. مانند شیعیان بحرین که بر خلاف دارا بودن میزان اکثریت در ترکیب جمعیتی این کشور در مناسب اجتماعی و سیاسی اقلیت هستند و طی سالهای اخیر به دنبال کسب جایگاه واقعی خود در جامعه‌ی بحرین در حال مبارزه می‌باشند که این حرکت آنها از جانب ایران مورد حمایت واقع شده است. و یا در کشور آذربایجان هر چند اکثریت مردم آذربایجان را اهل تشیع تشکیل می‌دهد اما سیاست‌های رهبران سیاسی آنها و نیز حاکمیت کمونیسم قبل از فروپاشی شوروی و نفوذ اندیشه‌های سکولار و نیز ترویج وهابیت و یهودیت بعد از فروپاشی، منجر به تأثیرات قابل توجهی شده است.

ب- اقتصادی

۱- منابع و ذخایر مشترک

سرزمین کهن ایران سرشار از منابع زیرزمینی است. اما آنچه در ارتباط با منابع مشترک حائز اهمیت می‌باشد به وجود ذخایر فسیلی امتداد یافته در نواحی مرزی و میدان‌های مشترک نفت و گاز بین ایران و کشورهای همسایه که اهمیت استراتژیک دارند برمی‌گردد. از آنجاییکه ایران در منطقه‌ی انرژی خیز خاورمیانه و مرکز بیضی استراتژیک واقع شده بر حساسیت این موضوع افزوده است. لذا با توجه به حساسیت این منابع در روابط با کشورهای همسایه بویژه کشورهای اسلامی، در اینجا به بررسی منابع مشترک نفت و گاز ایران با همسایگان می‌پردازیم.



در مجموع، ایران ۲۸ میدان نفتی و گازی مشترک با همسایگان دارد. در بین میادین مشترک نفت و گاز ایران، ۱۵ مخزن در آبهای خلیج فارس و ۱۳ مخزن در خشکی قرار گرفته‌اند که ۱۲ حوضه در مرز مشترک با عراق، ۷ مخزن مشترک با امارات، ۴ مخزن مشترک با عربستان، ۲ مخزن مشترک با قطر و عمان و با هریک از کشورهای کویت و ترکمنستان نیز یک میدان مشترک هیدروکربوری دارد... همانطور که ملاحظه می‌شود تمامی این منابع در دو محور غربی و جنوبی واقع شده‌اند اما با مطرح شدن منابع نفت و گاز خزر در محور شمالی نیز ایران با همسایگان شمالی در حوزه‌ی خزر در رابطه با این مسأله (باتوجه به بحث رژیم حقوقی و تقسیم نشدن مرز کشورها) دارای مشکل است که لازم به بررسی است. وجود این منابع، گذشته از منفعت اقتصادی برای کشورهای شریک، در مواقعی نیز می‌تواند عامل بروز تنش در صورت عدم هماهنگی در سیاست‌ها و یا دخالت‌های خارجی باشد. کماینکه مسأله‌ی بهره برداری از ذخایر خزر اکنون در حال تبدیل شدن به یک عامل واگرایی و بحران زا می‌باشد.

۲- ربودن آب علیای رود توسط کشور فرادست

یکی دیگر از زمینه‌های تنش ایران با برخی کشورهای همجوار می‌تواند بحث هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی باشد که هرچند در حال حاضر چندان حاد به نظر نمی‌آید اما باتوجه به مسائل آب در آینده از اهمیت برخوردارند. ایران در ۵۳ درصد رودخانه‌های مرزی، موقعیت بالادست و در ۴۷ درصد، موقعیت پایین دست دارد. بنابراین، باید راهبرد واحد و هماهنگی در قبال رودخانه‌های مرزی اتخاذ گردد (احمدی دهکاء و محمد سلیمی، ۱۳۹۲: ۱۰). مهم‌ترین مسأله در این رودخانه‌ها، بهره برداری از آب رودخانه به عنوان مصرف آبیاری یا تولید انرژی و احداث سد‌هاست. خبر سازترین مورد در این رابطه، بحث حقابه رود هیرمند می‌باشد. رود هیرمند با برآورد تقریبی سالانه حدود ۵/۸ میلیارد متر مکعب از کوه‌های غرب کابل سرچشمه گرفته و پس از طی ۱۰۵۰ کیلومتر وارد می‌شود. در حال حاضر سهم ایران از آب هیرمند حدود ۲۶ متر مکعب در ثانیه واحد یا حدود ۸۰۰ میلیون متر مکعب در سال است (Daneshname. roshd.ir). پس از روی کار آمدن کرزای و خشکسالی در ایران، آب هیرمند نیز کمتر به سوی ایران روانه شد و بیشتر در افغانستان مورد بهره برداری قرار گرفت. در نامه‌ی سفیر ایران در سازمان ملل به مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل به زیان‌های بی‌شمار کشاورزی و دامپروری در ایران در اثر متوقف ساختن آب هیرمند اشاره شده است. اطلاعات و شواهدی



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۶۴

سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

که از عکس‌های ماهواره‌ای به دست آمده نشان می‌دهد که حجم آب در بالادست رودخانه (و بسته شدن دریچه‌های سد کجکی) به گونه چشمگیری افزایش یافته است. این در حالی است که به موجب ماده پنجم پیمان ۱۹۷۳ در باب هیرمند افغانستان می‌پذیرد که هیچ اقدامی برای محروم ساختن کلی یا جزئی ایران از حقا به هیرمند آنگونه که در موارد ۲، ۳ و ۴ این پیمان تعیین و تحدید شده است انجام ندهد. جمهوری اسلامی ایران مایل است که اجازه داده شود آب هیرمند به رودخانه مشترک پریان جریان یابد. ایران حق جبران زیان‌های ناشی از نقض آن پیمان و متوقف ساختن آب هیرمند و همه گام‌هایی را که برای تضمین بهره برداری از آب هیرمند لازم است برای خود محفوظ می‌داند (مؤسسه‌ی ابرار معاصر، ۱۳۸۶: ۴۷۴-۴۷۵).

ج- فرهنگی - اجتماعی

۱- قومیت (گسترش فضایی گروه‌های قومی در دو سوی مرز)

مناقشات قومی با پایان جنگ سرد تشدید شده و پشتیبانی جدید بین المللی از اصل تعیین سرنوشت برای گروه‌های قومی، مرزهای ملی را به هم ریخته و اقتدار رژیم‌های بومی خاورمیانه و پیرامون آن را با مشکل مواجه ساخته است (عزتی، ۱۳۸۹: ۱۹). این مورد در محورهای شمالی، شرقی و غربی فضای سرزمینی ایران مشهود است. در بخش شمالی ایران، سه گروه قومی - زبانی مشخص یعنی آذریها، تالشی‌ها و ترکمن‌ها ساکنند که در دو سوی مرز دارای گسترش فضایی می‌باشند. مشخص‌ترین گسترش فضایی قومی در مناطق مرزی شرق، مربوط به قوم بلوچ می‌باشد. بلوچستان ایران، منطقه‌ی دور افتاده‌ای از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه‌ی بلوچ نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ۱۷۳). انزوای جغرافیایی در کنار سایر عوامل متمایز کننده موجب شده است که بلوچها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک می‌دانند و بر خلاف دیگر اقوام ایرانی در تحولات بزرگ درون جامعه‌ی ایران نقش قابل توجهی به عهده نمی‌گیرند (همان، ۱۷۶). در بخش غربی ایران، قوم کرد نمود بیشتری دارد. قوم کرد در منطقه‌ای همجوار به نام کردستان و به طور مجزا در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه و در نظام‌های حکومتی متفاوت توزیع شده‌اند (عزتی، ۱۳۸۴: ۳۲۸). عرب‌های ایران در بخش مرکزی و جنوب غربی استان خوزستان استقرار دارند (پیشگاهی فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸:



۵۶). ساکنان منطقه‌ی عرب نشین خوزستان که در بخش خوزستان کم ارتفاع و بخش‌های غربی و جنوبی جلگه‌ی خوزستان دارای فرهنگ خاص هستند از حیث زبان و قومیت، اصالتاً عرب هستند. قلمرو ناحیه‌ی عرب نشین شیعه مذهب به مناطق جنوبی عراق نیز گسترش پیدا می‌کند (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۰). مسأله‌ی مناقشات قومی با احساسات جدایی طلبانه و با نام‌هایی همچون کردستان آزاد، بلوچستان بزرگ و... همواره یکی از مهمترین معضلات کشورهای خاورمیانه بوده است که بعضاً مورد بهره برداری سیاسی کشورهای همسایه واقع شده و به منبع تنش تبدیل شده است.

د- امنیتی

۱- حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران در کشورهای پیرامونی

یکی از عوامل تنش زای ایران و کشورهای اسلامی پیرامون آن مساعدت این کشورها جهت حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران از جمله امریکا اعم از مانورها و پایگاههای نظامی می‌باشد (hawzah.net). اهم منافع امریکا عبارتند از: دسترسی و سیطره بر منافع تولید نفت و انرژی و راههای انتقال سایر منابع، ثروت و اشراف بر مجموعه‌ی اوضاع و شرایط حاکم و ایجاد تنش و درگیری‌های قومی مذهبی تا بستر مناسب برای دگرگونی‌های هدفمند فراهم گردد. (مسعود نیا و صادقی نقدعلی، ۱۳۹۲: ۱۸۸-۹۷) از سوی دیگر، نوپایی اکثر کشورهای همجوار (بجز روسیه و ترکیه)، زمینه‌ی نداشتن بلوغ سیاسی و نوعی وابستگی به قدرتهای دیگر را برای آنها فراهم آورده است. همچنین، کمتر توسعه یافتگی اقتصادی □ اجتماعی اغلب این کشورها و اینکه درحال تجربه مراحل نخستین دموکراسی بوده و شهروندان آنها حقوق سیاسی اندکی دارند بر ناپایداری آنها افزوده و به همان نسبت، عدم استقلال سیاسی و تعدد دیدگاههای ژئوپلیتیکی را فراهم آورده است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۸-۲۹). عربستان بشدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است. با توجه به این مسأله، سیاست خارجی عربستان در قبال ایران در صحنه‌ی عراق، لبنان، فلسطین، بحرین و یمن به مثابه تخته شطرنج رقابت استراتژیک-ایدئولوژیک میان ایران و عربستان تبدیل شده است (Altamini, 2012, 8). در سال‌های اخیر، اسرائیل روابط بسیار نزدیکی با ترکیه و تمامی کشورهای تازه استقلال یافته از شوروی برقرار ساخته است. اسرائیل بصورت خزننده در حال



افزایش حضور خود در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد. سیاست‌های اسرائیل در این منطقه را می‌توان حمایت از یهودیان ساکن منطقه، جلب همکاری و حمایت کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی، واگرایی در روابط کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز با ایران و نیز اعمال فشار بر محیط پیرامونی و امنیت ملی ایران تفسیر کرد (قصاب زاده، ۱۳۹۱: ۶۲۸). اسرائیل با هدف محاصره‌ی ایران، یک توافقنامه‌ی نظامی - امنیتی در سال ۱۹۹۶ با آنکارا جهت استقرار تجهیزات الکترونیکی در مرزهای خود با ایران امضاء نمود. همچنین نزدیکی آذربایجان به اسرائیل و حضور سرویس‌های امنیتی اسرائیل در این کشور و سرمایه‌گذاری اقتصادی در آن، برای ایران قابل تأمل است (نصرتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۵). پس از انقلاب ایران و با تیره شدن روابط ایران و ایالات متحده، سیاست دو ستونه در قبال ایران به سیاست مهار تبدیل و از اینرو توجه ایالات متحده به کشورهای همجوار ایران بیشتر شد. بویژه پس از فروپاشی شوروی به مرزهای شمالی ایران توجه ویژه‌ای مبدول داشت. ایالات متحده آمریکا به عنوان کنش‌گر فعال در مناطق گوناگون با مسائل امنیتی آن‌ها نیز درگیر است (فرجی راد و صالحی، ۱۳۹۴: ۴۹). ایالات متحده بویژه پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، با تقویت حضور خود در منطقه درصدد جلوگیری از هرگونه اتحاد منطقه‌ای بوده است. ایران نیز در منطقه، همواره منافع ایالات متحده را به چالش کشیده است (رمضانی لشکریانی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۲- تروریسم در منطقه و پیرامون ایران

تروریسم شکل گرفته در منطقه متفاوت از تروریسمی است که در دهه ۹۰ میلادی با طالبان و القاعده شکل گرفت. پیش از آن تروریسم در قالب طالبان و القاعده‌ای تعریف می‌شد که در یک جغرافیای محدود فعالیت می‌کرد و ادعای حکومت در همان محدوده را داشت. تروریسمی که ادعای مبارزه با ادیان دیگر و کشورگشایی و گسترش قلمرو نداشت. اما تروریسم امروز صحبت از قلمرو حاکمیتی، مبارزه با ادیان، خود را دارای یک نظام سیاسی می‌داند و ادعاهایی مبتنی بر ایدئولوژی‌هایی برای مبارزه با ادیان و مذاهب دیگر از جمله شیعیان و مسیحیان دارد. تروریسم کنونی عمیق‌تر و پیچیده‌تر از تروریسم در گذشته است. بازیگر جدید غیر دولتی که ثبات و امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار داده و ظهور آن، نقطه عطفی در شکل دهی به مقوله‌ی امنیت و ثبات بین دولتی در خاورمیانه تلقی می‌شود، داعش است. (دهشیری و مقامی، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۵۷) تروریسم امروز دارای تنوع قومیتی است. از افغان‌ها و



عرب‌ها گرفته تا چچنی‌ها و .. در این گروه قرار دارند. از سوی دیگر تروریسم امروز دارای بنگاه اقتصادی به خصوص در حوزه انرژی است. مهم‌ترین شاخص روندهای تضاد محور، مساله تروریسم است که با توجه به منافع متضاد گروه‌های معارض و کشورهای حامی به منبعی برای رویارویی و بحران تبدیل شده است. (diplomacy.ir).

۳- تغییر مسیر رودخانه‌های مرزی

رودخانه به دلیل تغییر مسیر، ناپایدارترین مرز طبیعی است. تغییر بستر رودخانه‌های مرزی به وسیله عوامل طبیعی و انسانی (آنتروپوژن) می‌تواند منجر به آثار ژئوپلیتیک و سیاسی در مرزها شود و امنیت سازه‌های عمرانی در مرز و حتی سکونت گاه‌های انسانی را در معرض تهدید قرار دهد. از طرف دیگر با تغییر بستر رودخانه، خطوط مرزی نیز تغییر می‌یابد و طبق پروتکل‌های مرزی در هر موقعیتی که رودخانه با تغییر مسیر رو به رو باشد، همان نقطه خط مرزی تلقی می‌شود (بهینافر و قنبرزاده، ۱۳۸۹: ۲۰۵). این امر در نهایت می‌تواند موجبات تنش و درگیری را بین کشورهای همجوار فراهم کند. بسیاری از طول مرزهای ایران را رودها تشکیل می‌دهند که برخی به دلایل توپوگرافی و فیزیوگرافی رودخانه و بستر آن در حال تغییر مسیر بوده و یا برخی نیز در معرض احتمالی این پدیده می‌باشند. در این بین، مسأله ی رودهای هریرود و هیرمند بسیار حائز اهمیت می‌باشند. هریرود (تجن) به عنوان یک مرز طبیعی بین ایران و ترکمنستان از محل پل خاتون شروع شده و تا انتهای شمال شرق شهرستان سرخس امتداد می‌یابد. از لحاظ سیکل فرسایش هریرود در نقطه مرزی به مرحله پیری رسیده و شروع به ماندن‌های زیاد از نوع محاط و دشتی می‌کند. از آنجا که رودخانه‌ها حالت دینامیکی دارند قلمداد کردن آنها به عنوان خط مرزی با مشکلات زیادی روبرو می‌شود. زیرا رودخانه‌ها در طی زمان با تغییر بستر و تحولات مورفولوژیک در حواشی مواجه‌اند. مهم‌ترین عوامل تغییر بستر هریرود شامل (گسل هریرود، ژنتیک رودخانه، توپوگرافی و فیزیوگرافی منطقه، شرایط هیدرولوژیکی، جنس و بافت خاک، سازند زمین‌شناسی) و عوامل آنتروپوژنیک (سکونتگاه‌های مرزی، تشدید کاربری زمین به کشاورزی، دامداری و ... شخم اراضی تا حاشیه رودخانه، تخریب پوشش گیاهی حاشیه رودخانه، فقدان برنامه ریزی در استقرار سکونتگاه‌های مرزی) می‌باشد (بهینافر و قنبرزاده، ۱۳۸۹: ۲۱۰-۲۱۲). رود هیرمند که به گونه‌ای مرز ایران و افغانستان را در برخی حوزه‌ها تشکیل می‌دهد به دلیل آرایش تکتونیک



از گونه و اجزاء خاک تشکیل دهنده‌ی بستر رودخانه تشکیل می‌شود می‌تواند عاملی مهم در انحراف مسیر باشد. شواهد تاریخی و دیرینه‌شناختی حوضه مطالعه همچنین جابجایی رود هیرمند را به شمال از طریق دلتای هیرمند نشان می‌دهد که این گونه، اکنون در بخش شمالی حوضه هیرمند فعال است. هرچند بادهای موسمی از طریق ماسه‌سایه و جابجایی شن، در انحراف مسیر هیرمند مؤثر بوده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد که آرایش تکتونیک، نقشی مؤثرتر در این زمینه دارا بوده است (مؤسسه‌ی ابرار معاصر، ۱۳۸۶: ۴۶۴).

ارزیابی عوامل ژئوپلیتیکی واگرای بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی بر حسب اولویت

باتوجه به تفاوت میزان تأثیر و عملکرد هرکدام از نیروها و عوامل واگرایی مطرح شده در خصوص ایجاد تنش در روابط ایران و همسایگان مسلمان آن، با بررسی میزان ارجحیت هرکدام از عوامل یازده‌گانه‌ی شناسایی شده در قالب ۱ پرسشنامه و بر اساس طیف لیکرت، طی جلسات مختلف طوفان فکری با خبرگان جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، که براساس نمونه‌گیری غیراحتمالی قضاوتی انتخاب شده، به تعداد ۳۰ نفر از کارشناسان و مطلعین از وضعیت محدوده‌ی مورد مطالعه که شامل اساتید جغرافیای سیاسی و مطالعات منطقه‌ای بوده‌اند، اهمیت کمی هرکدام از عوامل، مشخص و غربالگری انجام شد. عواملی که از میزان ارجحیت کمتری برخوردارند غربال شده که اطلاعات مربوط در جدول شماره ۱ آمده است. میزان اعتبار هر پارامتر به کمک طیف لیکرت (از ۱ یعنی کاملاً مخالف تا ۵ یعنی کاملاً موافق) و همچنین ضریب ارجحیت پارامتر مربوط با ارزشگذاری از ۱ تا ۴ از منظر کارشناسان ارزیابی می‌گردد. ضریب ارجحیت برای سنجش و مقایسه مجموع عوامل، ارزیابی شد و پرسشنامه دیگری جهت اولویت بندی عوامل تدوین گردید. در نهایت پس از توزیع پرسشنامه‌ها بین افراد مورد نظر، ۶۰ پرسشنامه تکمیل شده مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل در جدول ۲ منعکس گردیده است. شیوه مقایسه و تحلیل، بصورت سلسله مراتبی (AHP) بوده که در حوزه‌ی تصمیم‌گیری چند معیاره MCDM از نوع چند شاخصه و با استفاده از نرم افزار Ex-cel انجام شد. بدین ترتیب پس از تشکیل درخت سلسله مراتبی، در ابتدا میزان اعتبار هر پارامتر یعنی میزان موافقت جامعه‌ی نمونه با هر پارامتر به کمک استخراج میانگین اعداد یه دست آمده



(۱ تا ۵) و نیز ضریب ارجحیت هر پارامتر توسط میانگین اعداد حاصل (۱ تا ۴) جهت اولویت بندی مشخص شد. سپس با توجه به ضریب اهمیت هر پارامتر، وزن هر پارامتر در مقایسه با دیگر پارامترها به دست آمد. در ادامه با ضرب کردن اعتبار هر پارامتر در وزن آن، اعتبار وزنی هر پارامتر مشخص شد. نهایتاً، مجموع اعتبار وزنی برای هر ۱۱ عامل به دست آمد که امکان مقایسه کمی عوامل را فراهم آورد. فرایند تحلیل سلسله مراتبی در هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه رقیب و معیار تصمیم گیری روبروست می تواند استفاده گردد. معیارهای مطرح شده می تواند کمی و کیفی باشند. اساس این روش تصمیم گیری بر مقایسات زوجی نهفته است. تصمیم گیرنده با فراهم آوردن درخت سلسله مراتبی تصمیم آغاز می کند. درخت سلسله مراتب تصمیم، عوامل مورد مقایسه و گزینه های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می دهد. سپس یک سری مقایسات زوجی انجام می گیرد. این مقایسات وزن هر یک از فاکتورها را در راستای گزینه های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم را نشان می دهد. در نهایت منطق فرایند تحلیل سلسله مراتبی به گونه ای ماتریسهای حاصل از مقایسات زوجی را با یکدیگر تلفیق می سازد که تصمیم بهینه حاصل آید (قدسی پور، ۱۳۸۱: ۶).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

جدول ۱: میزان ارجحیت عوامل تنش آفرین بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی

ابعاد (معیارها)	پارامترها (عوامل)	اعتبار	ضریب ارجحیت	وزن نسبی
سیاسی	اختلافات مرزی	۴/۰۱	۴/۲۹	۰/۴۵۲
	ادعاهای ارضی	۴/۲۹	۴/۶۱	۰/۴۷۸
	تعارضات ایدئولوژیک	۵/۹۹	۵	۰/۴۹۲
	موانع سیاسی	۴/۸۵	۴/۷۷	۰/۴۸۳
	حمایت از اقلیتها و تحرکات سیاسی - مذهبی داخلی توسط کشور همسایه	۴/۱۱	۴/۳۴	۰/۴۶۶
اقتصادی	منابع و ذخایر مشترک	۰/۱۳۰	۲/۰۶	۰/۲۵۱
	ربودن آب علیای رود توسط کشور فرادست	۳/۵۰	۳/۳۱	۰/۴۲۱
فرهنگی	قومیت (گسترش فضایی گروههای قومی در دوسوی مرز)	۳/۹۰	۴/۰۶	۰/۴۳۳
امنیتی	حضور رقبای فرامنطقه ای ایران در کشورهای پیرامونی	۴/۵۵	۴/۷۲	۰/۴۸۲
	تروریسم در منطقه و پیرامون ایران	۳/۷۸	۳/۸۶	۰/۴۳۰
	تغییر مسیر رودخانه های مرزی	۰/۱۲۱	۲/۰۲	۰/۲۰۸

منبع: یافته های تحقیق

غربالگری و تعیین اهمیت عوامل، نشان دهنده‌ی کمترین و بیشترین میزان عددی و وزن عوامل بر حسب نتایج پرسشنامه سنجش ارجحیت است. عواملی که گویای ارجحیت کمتر و یا عدم اهمیت در زمینه‌ی ایجاد تنش در روابط بین ایران و کشورهای اسلامی همسایه هستند با میزان ارجحیت کمتر از ۳، بر اساس طیف لیکرت مشخص شده‌اند. همچنین، عواملی که مطابق نظر مصاحبه‌شوندگان با کسب میزان ارجحیت بالاتر، بیشترین امتیاز را در ارتباط با تنش آفرینی داشته‌اند رتبه بندی می‌گردند. از بین ۱۱ عامل، ۹ عامل با کسب میزان ارجحیت بیشتر با میزان عددی متفاوت دارای ارزش علی بوده که به عنوان آلترناتیو (A) یا گزینه‌های هدف، برای تعیین اولویت در سنجش و مقایسه در ماتریس، در رابطه با ابعاد تعریف شده‌ی مسأله (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و امنیتی - نظامی) بررسی می‌شوند که در جدول زیر، رتبه‌های عوامل (گزینه‌ها) و مقادیر عددی آنها مشخص می‌باشند.

جدول ۳: رتبه بندی گزینه‌ها (عوامل)

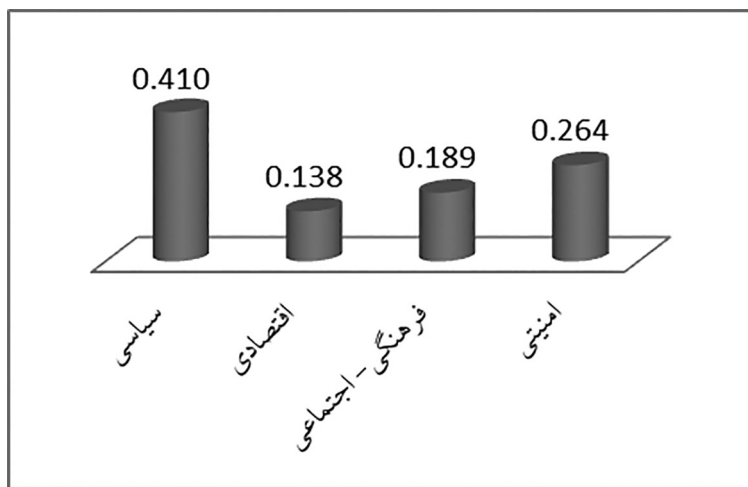
رتبه	وزن نهایی	گزینه‌ها (عوامل) (Alternative) A	معیارها (C)
۶	۳/۱۹	A۱ اختلافات مرزی	سیاسی C۱
۴	۳/۴۰	A۲ ادعاهای ارضی	
۱	۳/۸۸	A۳ تعارضات ایدئولوژیک	
۲	۳/۶۱	A۴ موانع سیاسی	
۵	۳/۲۴	A۵ حمایت از اقلیت‌ها و تحركات سیاسی-مذهبی داخلی توسط کشور همسایه	
۹	۳/۰۲	A۶ ربودن آب علیای رود توسط کشور فرادست	اقتصادی C۲
۷	۳/۱۴	A۷ قومیت (گسترش فضایی گروه‌های قومی در دو سوی مرز)	فرهنگی C۳
۳	۳/۴۳	A۸ حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران در کشورهای پیرامونی	امنیتی C۴
۸	۳/۰۸	A۹ تروریسم در منطقه و پیرامون ایران	

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که مشاهده شد، عامل A۳ در اولویت اول قرار گرفت و بر اساس نتایج تکنیک AHP، رتبه‌ی اول را از بین عوامل دیگر کسب نمود. همچنین تعیین وزن و اهمیت ابعاد کارکردی عوامل تنش شناسایی شده بر اساس نتایج نمودار زیر نشان دهنده‌ی اهمیت و تأثیر بیشتر عوامل سیاسی در ایجاد تنش نسبت به سایر عوامل است.



نمودار ۱: اوزان ابعاد اصلی تنش‌ها در فضای سرزمینی ایران به دست آمده از نرم افزار تحت EXCEL



منبع: یافته‌های تحقیق



فصلنامه علمی-پژوهشی
ژورنال‌های سیاسی جهان اسلام

بحث و نتیجه گیری

در بررسی نظری عوامل ژئوپلیتیکی واگرا بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی که مانع نفوذ و تأثیرگذاری ایران در این کشورها می‌شوند در مجموع، ۱۱ عامل اصلی واگرا مطرح می‌باشد که از میان آنها، براساس نتایج تحلیل‌های کمی حاصل از پرسشنامه‌ها و نظرات خبرگان جامعه‌ی آماری تحقیق، ۲ عامل یعنی «منابع و ذخایر مشترک» و «تغییر مسیر رودخانه‌های مرزی»، به ترتیب با ضریب ارجحیت ۲/۰۶ و ۲/۰۲ از کمترین اهمیت در ایجاد تنش بین ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی برخوردارند و ۹ عامل دیگر با کسب میزان اهمیت بالاتر نسبت به این ۲ عامل از تأثیرگذاری بیشتری در ایجاد تنش و منازعه برخوردارند و نقش زیادی در همگرایی دارند. در بررسی اولویت ۹ عامل باقی مانده که دارای اهمیت زیادی هستند عامل «A۳ (تعارضات ایدئولوژیک)» با وزن ۳/۸۸، در اولویت اول قرار دارد. این بدان معنی است که این عامل، در ایجاد تنش بین ایران و کشورهای اسلامی همجوار ایران تأثیر زیادتری دارد و توجه بیشتر به این عامل تنش آفرین ضروری می‌باشد. همچنین عامل «A۴ (موانع سیاسی)» با وزن ۳/۶۱، عامل «A۸ حضور رقبای فرامنطقه‌ای ایران در کشورهای پیرامونی» با وزن ۳/۴۳، عامل A۲ «(ادعاهای ارضی)» با وزن ۳/۴۰، عامل A۵ «(حمایت از اقلیت‌ها و تحرکات سیاسی-مذهبی داخلی توسط کشور همسایه)» با وزن ۳/۲۴، عامل A۱ «(اختلافات مرزی)» با وزن ۳/۱۹، عامل A۷ «قومیت (گسترش فضایی گروه‌های قومی در دو سوی مرز)» با وزن ۳/۱۴، عامل A۹ «(تروریسم در منطقه و پیرامون ایران)» با وزن ۳/۰۸ و عامل A۶ «(ربودن آب علیای رود توسط کشور فرادست)» با وزن ۳/۰۲ در رتبه‌های بعدی از رتبه‌ی دوم تا نهم به لحاظ تأثیر در تنش‌زایی قرار گرفتند. همچنین در ارزیابی ابعاد عملکردی و ماهیتی تنش‌های تعیین شده، بعد سیاسی با وزن ۰/۴۱۰ از میزان تأثیر بالاتری برخوردار است و این نشان از عملکرد زیاد عوامل سیاسی در تنش‌زایی می‌باشد. این عوامل که از مهمترین عوامل تنش‌زا بین ایران و کشورهای همسایه محسوب می‌شوند ریشه در جغرافیای طبیعی و انسانی فضای سرزمینی ایران دارند که هم در شکل عوامل طبیعی و هم عوامل انسانی مطرح می‌باشند و عدم توجه به آنها و نبود تدابیر هوشمندانه در خصوص رفع یا بی‌اثر ساختنشان می‌تواند مناسبات ایران با کشورهای واقع در آنسوی مرزها را تحت تأثیر قرار داده و تهدیدی در روابط بین ایران و این کشورها باشند و مانع گسترش نفوذ ایران



در این کشورها شوند که نتیجه‌ی آن عدم همسویی در سیاست‌های منطقه‌ای و قرارگیری در بلوک‌های قدرت متفاوت و جبهه‌گیری علیه یکدیگر و مهم‌تر از همه‌ی آنها سوء استفاده‌ی کشورهای فرامنطقه‌ای و متخصصان از این تنش‌ها و دامن زدن به آنها در روابط ایران با کشورهای همسایه می‌باشد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۷۴

سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

منابع

- احمدی پور، زهرا؛ احسان لشگری تفرشی و قاسم قنبری (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر، تهران: انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح.
- احمدی دهکاء، فریبرز و رقیه محمد سلیمی (۱۳۹۲). «هیدروپلیتیک و تأثیر آن در چشم انداز روابط کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی: رودخانه هیرمند)»، اولین همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، ۱۸ مهر، دانشگاه پیام نور طالقان
- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۰). *ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- اخباری، محمد و محمدحسن نامی (۱۳۸۹). *جغرافیای مرزباتأکید بر مرزهای ایران*، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، چاپ دوم
- امیری و مستجابی سرهنگی (۱۳۹۳). «نقش متغیرهای ژئوپلیتیک در چالش مرزی ایران و عراق»، فصلنامه علمی ترویجی علوم و فنون مرزی، شماره، ۱۰ دوره پنجم
- بهینافر، ابوالفضل و هادی قنبر زاده (۱۳۸۹). «پیامدهای ژئوپلیتیک - امنیتی تغییر بستر رودخانه‌های مرزی کشور با تأکید بر مدیریت محیطی آنها (مطالعه موردی رودخانه هریرود شهرستان سرخس)»، - مجموعه مقالات دومین همایش بازننگری روابط ایران و آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و چشم انداز آینده - دانشگاه فردوسی مشهد ۴-۵ آبان
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر آبهای ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیشگاهی فرد، زهرا، امیدوی آوج، مریم (۱۳۸۸). «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، مجله ژئوپلیتیک، بهار و تابستان، شماره ۱۴
- حافظ نیا، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- ربیع، حسین (۱۳۹۳). «تبیین شاخصی‌های یئوپلیتیک قدرت هوشمند ایران در راستای تحولات جدید خاورمیانه»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره سوم، پاییز.
- رضائی لشکرانی، صادق (۱۳۸۹). «نقش ژئوپلیتیک جزایر خلیج فارس در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- روحی دهبته، مجید (۱۳۹۱). «تبیین سازه انگارانه از علق و آگرایی ایران و شوروی همکاری خلیج فارس»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهاردهم، شماره ۱.
- سهل آبادی، محمدحسین و محسن سهل آبادی (۱۳۸۳). *دانستنی‌های انتظامی - اجتماعی*، تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، چاپ دوم.
- صالحی، سید جواد و ساسانیان، سعید (۱۳۹۲). «بررسی تغییرات سامانه نظم متأثر از تحولات خاورمیانه با





- تمرکز بر ژئوپلیتیک شیعه در سال ۲۰۱۱»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره دوم، تابستان.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۹). *جغرافیای استراتژیک ایران*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، جلد دوم.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۹). *ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت، چاپ ششم.
- عسگر خانی، ابو محمد و بابایی، محمود (۱۳۹۱). «امنیت هستی شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال دوم، شماره چهارم، زمستان.
- فرجی راد، عبدالرضا، صالحی، علیرضا (۱۳۹۴). *دولت‌های فروماند، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح*.
- قدسی پور، حسن (۱۳۸۱). *مباحثی در تصمیم‌گیری چند معیاره، فرآیند تحلیل سلسه مراتبی*، تهران: نشر دانشگاه امیر کبیر.
- قربانی نژاد و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی و نقد نظریه‌های تنش و منازعه‌ی کشورها و ارائه‌ی مدل نظری»، *فصلنامه سیاست دفاعی*، شماره ۸۲.
- قصاب زاده، مجید (۱۳۹۱). «ژئوپلیتیک روابط ایران و آسیای مرکزی»، *مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: قابلیت‌ها و ظرفیت‌های کاربردی جغرافیای سیاسی*، ۳ و ۴ خرداد، رشت.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان*، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- مسعود نیا، حسین و صادقی نقد علی، زهرا (۱۳۹۲). «خاورمیانه بزرگ جهان اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره اول، بهار.
- موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر (۱۳۸۶). *مرزهای ایران*، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر
- موفقیان و فرجی راد (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل منشأ جغرافیایی و فرهنگی تنش بین ایران و پاکستان»، *پژوهشنامه خراسان بزرگ*، شماره ۱.
- نصرتی، شهریار و دیگران (۱۳۹۵). «تدوین استراتژی‌های همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم با رویکرد صلح پایدار»، *رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات*.
- نصرتی، شهریار (۱۳۹۱). «نقش کشورهای مسلمان حوزه مدیترانه درگسترش علایق منطقه‌ای ج.ا.ایران (مطالعه موردی: لبنان)»، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت*.
- نصرتی، شهریار و دیگران (۱۳۹۵). «تحلیل موانع همگرایی ایران با کشورهای پیرامونی در قرن بیست و یکم و ارائه‌ی یک برنامه‌ی استراتژیک با استفاده از تکنیک SWOT و MCDM»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره سوم، تابستان، پیاپی ۲۳.

.Andersen, Lars Erslev (2007) Postscript after Lebanon, A new Cold War in the Middle East, in Andersen: Innocence Lost. Islamism and the battle over

<http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php>

www.Diplomaci.ir

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۶۰۲۰۷

به این مقاله این گونه استناد کنید:

بازدار، شهناز؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۵)، «بررسی و اولویت بندی عوامل واگرایی اثر گذار در روابط ایران و کشورهای اسلامی پیرامونی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۲، تابستان ۹۵، صص ۱۷۷-۱۵۱.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام